

♦ پرسش‌های درس

۱. کارکردهای اوقات فراغت را نام ببرید.
۲. مؤلفه‌های اصلی اوقات فراغت براساس تعریف انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی کدام‌اند؟
۳. اصل هدف‌داری در فعالیت‌های فراغتی با توجه به رفع نواقص را در قالب یک مثال تبیین کنید.
۴. میانه‌روی در فعالیت‌های فراغتی دارای چهار مؤلفه است. این مؤلفه‌ها را بر دو نمونه فراغت مثبت و فراغت منفی تطبیق دهید.
۵. براساس سه مؤلفه شرایط مناسب، رضایت و نتایج مثبت، تعیین اولویت فعالیت‌های فراغتی دوره جوانی را در دو نمونه تحلیل کنید.

♦ پژوهش

- پژوهش اول: با مراجعه به کتاب **سبک‌های فراغتی جوانان**، به دو پرسش زیر پاسخ دهید:
۱. ویژگی‌های فراغتی جوانان ایرانی در عصر حاضر کدام‌اند؟
 ۲. ده تغییر در فرهنگ فراغتی را نام ببرید.
- پژوهش دوم: اصول اخلاقی فعالیت‌های فراغتی را در مثال‌های زیر در حالت‌های فراغت مثبت و فراغت منفی بررسی کنید:
- انجام بازی‌های آنلاین در دوره تعطیلات نوروز (هم حالت مثبت هم حالت منفی)؛
 - پرسه‌زنی در خیابان در شب چهارشنبه‌سوری (حالت منفی)؛
 - مشارکت در فعالیت‌های خیریه (هم حالت مثبت هم حالت منفی).

♦ منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ابراهیمی، قربان‌علی و عباس بهنویی. (بی‌تا). جامعه‌شناسی سبک زندگی جوانان. (بی‌جا): (بی‌نا).
۲. ذکایی. (بی‌تا). فراغت، مصرف و جامعه: گفتارهایی انتقادی. (بی‌جا): (بی‌نا).
۳. ذکایی، محمدسعید و دیگران. (۱۳۹۱). سبک‌های فراغتی جوانان. تهران: تیسرا.
۴. سنایی، نقی. (۱۳۹۸). اخلاق اوقات فراغت با رویکرد اسلامی. قم: معارف.
۵. فعالی، محمدتقی و عبدالرضا آتشین صدف. (بی‌تا). شیوه‌های گذران اوقات فراغت با نگرشی به منابع اسلامی. (بی‌جا): (بی‌نا).

درس چهاردهم:

اخلاق سیاسی اجتماعی

اهداف درس

- | | |
|---|---|
| ۱ | واکاوی ارتباط اخلاق و سیاست؛ |
| ۲ | شناخت کدهای اخلاقی در کنشگری سیاسی. اجتماعی؛ |
| ۳ | توانمندسازی شناختی در حوزه حل یک مسئله اخلاقی در عرصه سیاسی- اجتماعی. |

۱. حق پذیری و تعصب در اخلاق سیاسی

انسان موجودی اجتماعی است که به تنهایی نمی تواند زندگی کند و برای این که احتیاجات گوناگون خود را برآورده سازد، نیازمند تقسیم کار و همکاری با دیگران است و این اساس شکل گیری جوامع کوچک و بزرگ انسانی است. پس از شکل گیری اجتماع، برسر استفاده از فرصت ها و امکانات و کالاهای ضروری و کنترل مخاطرات و برقراری رفاه و امنیت یا به دست آوردن موقعیت ها و زمین ها، ابزارها، فراورده ها و محصولات مهم تر و ارزشمندتر رقابت پیش می آید و به خاطر کثرت افراد و گروه ها و جمعیت های انسانی (از دو روستا یا قبیله هم جوار تا دو کشور همسایه، از دو باشگاه ورزشی رقیب تا دو حزب سیاسی ائتلاف کرده یا رقیب، از دو شرکت اقتصادی تا حتی دو مؤسسه خیریه یا دو هیئت مذهبی) و کمبود منابع، زمینه ایجاد درگیری و نزاع شکل می گیرد. در این میان، آنچه می تواند رقابت های مخرب و نزاع و ستیزه جویی را کنترل کند حرکت در چارچوب اخلاق است.

محوری ترین شاخص رفتار اخلاقی در سطح جامعه عنصر حق است که به شکل گیری اخلاق عدالت^۱ ختم می شود. تعیین حق و تمکین به حق، به تعبیر دیگر، روشن ساختن

۱. اخلاق دارای دو سطح است: الف) به دیگری آسیبی نرزی؛ ب) به دیگری کمک کنی. سطح اول را «اخلاق عدالت» و سطح دوم را «اخلاق احسان» می نامند. اخلاق احسان در سطح فردی به صورت جدی قابل پیگیری و توصیه پذیر است، اما در سطح نهادها و اصناف و احزاب و اقوام و ملت ها، آنچه راه گشا و کارساز است همان اخلاق عدالت است و اخلاق احسان چندان قابل پیگیری نیست. کلام امام علی که بر عدالت تأکید می کند در پاسخ سؤال از این که «جود بهتر است یا عدالت»، ناظر به این سطح اخلاق کلان اجتماعی - سیاسی است که در مقام حاکم اسلامی بیان شده، زیرا از منظر جامعه، عالی ترین آرمان اخلاقی عدالت است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷): «و سئلَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ ﷺ: الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا؛ از آن حضرت پرسیدند که کدام یک از این دو برترند: عدالت یا بخشندگی؟ فرمود:

حق و گردن نهادن به حق است. حق باید در دو سطح فردی و جمعی مشخص شود. سپس افراد و گروه‌ها و اقوام و احزاب و ملت‌ها پذیرای آن باشند و بدان گردن بنهند. بنابراین مهم‌ترین شاخص اخلاق سیاسی - اجتماعی، حق‌جویی و حق‌پذیری است. حق‌گرایی اعضای جامعه و به‌خصوص گروه‌ها و اصناف و احزاب، متوقف بر سه عنصر است: اندیشهٔ حق‌شناس، ارادهٔ حق‌طلب و شخصیت حق‌پذیر. در این میان، هم‌شناسایی و هم‌پذیرش حق در سطح فردی، آسان‌تر از شناسایی و به‌ویژه پذیرش حق در سطح جمعی است.

اولاً افراد متواضع آمادگی بیشتری برای ازخودگذشتگی و اجتناب از زیاده‌خواهی دارند. وقتی پای منافع یا اهداف گروه پیش می‌آید، احتمال وفاداری به گروه/ حزب/ ملت و ازخودگذشتگی برای آرمان‌های آن بیشتر می‌شود. ثانیاً نداشتن شناخت کافی از طرف مقابل و وجود پیش‌فرض‌های نادرست درمورد گروه دیگر، به حس بدبینی و منفی‌بافی نسبت به آن‌ها دامن می‌زند. ثالثاً در زمان ما، بیش از ادوار دیگر، علم و فناوری سرعت شکاف طبقاتی میان اقشار یک جامعه و نیز کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را افزایش داده‌است. محرومیت دهک‌های پایین‌تر و قدرت یافتن دهک‌های بالاتر توزیع نابرابر مواهب و امکانات و ثروت را شدت بخشیده‌است.

به هم تافتن منفعت‌طلبی جمعی، خودبرتربینی و جاه‌طلبی گروهی و پافشاری بر اهداف و آرزوهای جمعی، به علاوهٔ بدبینی به گروه‌های دیگر، به شکل‌گیری عنصر بسیار خطرناکی به نام «تعصب» ختم می‌شود. اگر این عنصر از حدی عبور کند، اخلاق‌مداری گروه‌ها بسیار سخت می‌شود و انواع رفتارهای غیراخلاقی به صورت مستمر از آن‌ها سر خواهد زد تا جایی که چه بسا بازگشت به مسیر اخلاق برایشان بسیار سخت یا ناممکن گردد. امام علی علیه السلام در خطبهٔ معروف قاصعه (بلندترین خطبهٔ نهج البلاغه)، این تعصبات گروهی و فرقه‌ای و قبیله‌ای را به صورت عمیق تحلیل فرموده و خطرهای مهیب آن را گوشزد کرده‌است.

حضرت تعصب و فخرفروشی و تکبر را کاری شیطانی و اهریمنی می‌داند و می‌فرماید: «همانا ابلیس دشمن خدا، پیشوای متعصبان و سرسلسلهٔ مستکبران شد که اساس تعصب را بنا نهاد.»

تعصب عنصر ویرانگری است که سبب می‌شود چشم حق‌بین انسان کور شود و گوش

عدالت هرچیز را به جای خود می‌نهد و بخشندگی آن را از جای خود بیرون می‌نهد. عدل نگاه‌دارندهٔ همگان است و بخشندگی فقط کسی را دربر می‌گیرد که بخشش نصیب او شده. پس عدالت از بخشندگی شریف‌تر و برتر است.»